

یادداشت

ضعف قانون، علت‌العلل تحمیل مصائب توسعه‌گران بر جامعه محلی

محمدرضا رسینی اصفهانی

پژوهشگر دکتری دانشگاه تهران

انسان ماهبتا موجودی کمال‌جوست، به نحوی که پیشرفت با ذات او عجین شده است. از این حیث همواره به‌دنبال افزایش کیفیت زندگی خود و فرزندانش است. توسعه و پیشرفت از الزامات بقا در هستی است و انسان مسیر حصول به این هدف را بر سرعتی بیشتر از دیگر موجودات طی می‌کند. بنابراین توسعه و پیش‌رفت در ذات خود نهادها امری پس‌پسندیده در راستای افزایش رفاه انسان است، بلکه لازمه ادامه بقا در جهان به حساب می‌آید و بدون آن ما مانند موجوداتی که از این روند جا مانده‌اند، از چرخه زیست حذب می‌شیم. پس توسعه یا به هدف افزایش کیفیت زیست و رفاه انسان صورت می‌گیرد و عولید آن باید به همگان برسد. از طرف دیگر توسعه در کنار تولیدی که برای لسل حاضر به همراه دارد، باید در طول تاریخ پیاورد و جاودانه بماند به نحوی که آیندگان نیز از این فولید منتفع بپرند. این اصلی عقلانی، منطقی و اخلاقی است و در نظر، بدیهی می‌نماید. اما آنچه در عمل صورت می‌گیرد، زمین تا آسمان با آن تفاوت دارد: عدای به‌واسطه قدرت سیاسی یا ثروت اقتصادی معادله مذکور را به نفع خویش بر هم می‌زنند. به‌نوعی تمام فولید توسعه را برای خود و تمام مصائب آن را برای دیگران به مولد می‌آورند. انسان پس از صنعتی‌شدن انقلاب صنعتی قرن ۱۸ میلادی و تجربه به‌فرجام توسعه صنعتی، پی برسد که صنایع نهادها، نهادها و صنایع محیط زیست انسان را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. ایجاد محیط را نیز آلوده می‌کنند و توسعه‌ای که نوید زندگی بهتر را می‌داد، در کنار مرتع‌های بسیار، مصائب جدید برای بشر به وجود آورد.

این آگاهی به مرور انسان را بر آن داشت که توسعه را که نوع که باشد، باید مدیریت شود؛ چراکه پیشرفت و توسعه که ذات امر مثبت و الزامی است، باید در صورت کنترل‌گری صحیح می‌تواند به همان اندازه، بی‌رحم و مخرب باشد و نهایتاً زیست محیط زیست انسان را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. ایجاد جریان‌های علمی محیط زیست یا رویکردهای اخلاقی در این توسعه (توسعه پایدار)، بخشی از نمودهای این آگاهی بشر است. شعار اصلی توسعه پایدار این بود که در کنار تصرف به وجه «اقتصادی» توسعه (که تنها چاره مورد تأکید توسعه‌های اولیه بود)، باید دوجه «اجتماعی» و «زیست‌محیطی» نیز به رسمیت شناخته شوند و مورد توجه قرار گیرند و زیر پس توسعه‌های مورد قبول است که پایدار باشد (یعنی به هر سه وجه توجه داشته باشد).

جریان دیگری نیز وجود دارد که مسئله اخلاقی «عدالت اجتماعی» را مطرح می‌کند. زمانی که متعلق توسعه در جایی به درستی میان ذینفعان توزیع نشود و وزن منافع در همه بخش‌ها متناسب با پتانسیل‌های هر بخش اختصاص نیابد، توسعه «نامتوازن» رخ کرده که این قسم از توسعه، با عدالت اجتماعی در تضاد است. در ایران نیز این صنعتی‌شدن کشور و شروع توسعه جزی و اساسی ما علمی‌شدن صنعت نفت، مسئله توزیع نامتوازن منافع یا گذر زمان تشدید شد، به نحوی که همگونی میان دولت شاکف بسیار معیوب را کنار منافع که به جیب صاحبان صنایع سراسری می‌رسد و صنایعی که از آنها بر جامعه محلی و ذینفعان رنج می‌برد توسعه تحمیل می‌شود، مشاهده کرد.

بی‌شک آنچه می‌تواند این چرخه باطل را برهم بزند، «قانون» است. قانون و مقررات به‌عنوان ضوابطی که انسان و جامعه مدنی را در چارچوبی معقول و به سمت پیشرفت و کمال هدایت می‌کند، باید صلاح کشور و مردم آن را نیز تأمین کند، بنابراین قانون که در سطح پیش‌گارتنا به وضع ضوابطی برای عدالت، صلح، جفا، امنیت و رفاه در سطح جامعه فعالیت‌اتنا و چه در کنترل و برخورد قضایی در صورت تخلفی می‌تواند ابزار اثرگذار برای احقاق حقوق کشور و مردم باشد و راه سوسائت‌افزار، توسعه پایایی و فساد و سوءحیوان را برایشان مسدود کند. اما چرا این چنین نیست؟ پاسخ به این سؤال دلایل بسیار دارد که در اینجا تنها می‌توان عناوین آن را به‌عنوان مهمترین علل ناکارآمدی قانون بیان کرد:

قوانین مطرح‌شده در ایران به‌دلیل بسیار کم‌کی و بی‌مهر، ناکارآمد، غیرکارشناسی، فاقد اعتبار و واقعیت کشور، جزئی و بخشی (زیرگروهی به جای دیدگاه کل‌نگر) است که همین امر را تقصیرپذیری و بی‌مسئولیت در مطوبار را برای سودجویان باز می‌گذارد. تعداد قوانین که گاه حتی یک‌پایه‌گرد در تصاد هستند، در کرد تقسیم مسئولیت میان ذینفوان فراوان، منجر شده ارگان‌ها با فرارکنشی مسئولیت خویش بر شانه دیگران، از وظایفی که در عهده دارند شانه خالی کرده و نیز صورت دور راظر در سایه قوانین اثر بر روند خود ادامه دهند. این چنین است که قانون ناکارآمد، تقسیم متعدد مسئولیت و فرارکنشی ارگان‌ها در کنار نبود نظارت و ضمانت اجرای قانون، گندم در بستری با ظرفیت‌های ویژه رقم زده است.

«ضعف قانون» چست‌جود است و چه‌شود؟
این موضوع به‌کارگیری و به‌یادماندن از مزایای شهری، هر روز تصعیرت می‌شد. نقش قانون در وهله اول در گسترش این اسکان غیررسمی است، سکونتگاه غیررسمی تا سال‌ها در قوانین امری مغفول بود و رسمیتی برای آن قائل نبودند. در قوانین متأخرتر نیز نام آن ذکر می‌شد اما ایجاد مختلف آن توجه نمی‌شد. در برنامه مقتم توسعه نیز صرفاً به ایجاد و محضلات اجتماعی این سکونتگاه‌ها توجه شده ولی در مبحث مسکن و زمین، توجهی به عدم مالکیت این مناطق نشده است. امروز اصلی‌ترین دغدغه مردم سرپند، شهر نفتی‌شدن و تقصیسات سیاسی کشور برای رسیدن به کنترل بیشتر در مدیریت است که این نیز زاینده قانون حکمرانی است که به شهر بیشتر از بخش توجه می‌کنند و کمک‌وچهی کند می‌کنند و حریمزیت منطقه را به خطر نمی‌نهد. در ذیل این موضوع، صدای سودگران دیگری با حضور توسعه ششیده می‌دود که از آزمان توسعه در تلاش برای تقسیم بخش‌های صنعتی این شهر برای واگذاری به مامشر هستند. نقش قوانین در بی این موضوع توجه به ظرفیت و ویژگی‌های بستر یعنی مکان است.

پس، یکی از دلایل منظر دوانه سرپند یعنی صنعت عظیم و ثروتمند در کنار شهر فقیر و بی‌کیفیت، حاصل ناکارآمدی قوانینی است که با توجه به مسئله ذکرشده از پیش از حد تقصیرپذیر و میوهاد با انتضاف‌پذیری متناسب با جامعه محلی ندارند.

تجسیرگی **پیشنهادهای برای احقاقیت**
این موضوع به‌کارگیری و به‌یادماندن از مزایای شهری، هر روز تصعیرت می‌شد. نقش قانون در وهله اول در گسترش این اسکان غیررسمی است، سکونتگاه غیررسمی تا سال‌ها در قوانین امری مغفول بود و رسمیتی برای آن قائل نبودند. در قوانین متأخرتر نیز نام آن ذکر می‌شد اما ایجاد مختلف آن توجه نمی‌شد. در برنامه مقتم توسعه نیز صرفاً به ایجاد و محضلات اجتماعی این سکونتگاه‌ها توجه شده ولی در مبحث مسکن و زمین، توجهی به عدم مالکیت این مناطق نشده است. امروز اصلی‌ترین دغدغه مردم سرپند، شهر نفتی‌شدن و تقصیسات سیاسی کشور برای رسیدن به کنترل بیشتر در مدیریت است که این نیز زاینده قانون حکمرانی است که به شهر بیشتر از بخش توجه می‌کنند و کمک‌وچهی کند می‌کنند و حریمزیت منطقه را به خطر نمی‌نهد. در ذیل این موضوع، صدای سودگران دیگری با حضور توسعه ششیده می‌دود که از آزمان توسعه در تلاش برای تقسیم بخش‌های صنعتی این شهر برای واگذاری به مامشر هستند. نقش قوانین در بی این موضوع توجه به ظرفیت و ویژگی‌های بستر یعنی مکان است.

پس، یکی از دلایل منظر دوانه سرپند یعنی صنعت عظیم و ثروتمند در کنار شهر فقیر و بی‌کیفیت، حاصل ناکارآمدی قوانینی است که با توجه به مسئله ذکرشده از پیش از حد تقصیرپذیر و میوهاد با انتضاف‌پذیری متناسب با جامعه محلی ندارند.

یادداشت

ضعف قانون، علت‌العلل تحمیل مصائب توسعه‌گران بر جامعه محلی

محمدرضا رسینی اصفهانی

پژوهشگر دکتری دانشگاه تهران

شرق در سایه سیاست‌گذاری‌های متمرکز و طرح‌های بدون زمینه‌شناسی و توجه به ویژگی‌های اقلیمی، محله صیباغان شهرستان بندر امام خمینی (سرپند) در استان خوزستان به نمادی از توسعه‌یافتگی شهری در کنار برنامه‌های توسعه صنعتی منطقه تبدیل شده؛ جایی که مردمش بیش از هر چیز قربانی نادیده‌گرفتن‌شدن «مکان» هستند. پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر چندصاحب‌ای که مطالعات مبتنی بر ویژگی‌های اقلیمی (مکان) را در دستور کار خود قرار داده و پس از کوهشدن لرستان و درفول خوزستان، حالا به سراغ یکی دیگر از مناطقی که برنامه‌های توسعه‌ای نتوانسته کیفیت زندگی شهری مردمان آن را ارتقا دهد، رفته است.

شهرک صیباغان (کمب B)، قربانی سیاست‌گذاری شهری ناکارآمد

روژه‌ای پایانی سال گذشته سفری تحقیقاتی با عنوان منظر رنج، بررسی مسئله‌های زندگی شهری در بافت ناکارآمد، با تمرکز بر کمب B یا همان محله صیباغان سرپند در استان خوزستان به بررسی‌ستی امیرمنصور، استاد دانشگاه برگزار شد. او در این سفر، با همراهی گروهی از پژوهشگران کارشناسی ارشد و دکترسوزدهای معماری، منظر و مطالعات شهری، جانش‌های رشته و دانشجویان‌های کالبدی، اجتماعی و مدیریتی این منطقه را زیر ذربین قرار داده است. گفت‌وگو با ساکنان و برداشت میدانی محیط، در این فعالیت‌های برداشت عملی، حاصل این مواجهه، ضرورتی دوباره برای بازنگری در رویکردهای رایج توسعه شهری است، به‌ویژه ضرورت عبور از سیاست‌گذاری‌های کم‌سوی و متمرکز و حرکت به سوی رویکردهای مکان‌محور، مردم‌پایه و مبتنی بر خوانش دقیق.

پژوهش حاضر، با تمرکز بر منطقه سرپند و به قصد تحلیل جالش‌ها و الگوهای توسعه در آن آغاز شد؛ شهری که در سال‌های اخیر با نمونه‌های روشن از سیاست‌گذاری نامهارنگ و توسعه‌های نابرابر روبه‌رو بوده، دراین‌میان، شهرک صیباغان به‌عنوان یکی از محلات کم‌برخوردار، کویترین نمونه از این نوع توسعه پایدار به شمار می‌رود.

در ایران، سیاست‌گذاری شهری غالباً با ساختارهای متمرکز و رویکردهای بالا به پایین صورت می‌گیرد، الگوهایی که می‌توجه به بافت، تاریخ و نیازهای واقعی شهروندان، نسخه‌ای یکسان برای مناطق متفاوت تجویز می‌کنند. نتیجه این سیاست‌در، در بسیاری از موارد به نبود وضعیت، بلکه نبود بهره‌برداری است. در سرپند نیز توسعه‌های روبه‌رو هستیم که اگر به صورت محضری با مناطق برخورداری زیاده افتاده، بی‌آنکه تفاوت‌های زمینه‌ای و ساختاری منطقه لحاظ نشود. این بی‌توجهی، به‌ویض به‌طورکشد گسترش نابرابری در حدی و بحران محلات از چرخه توسعه بوده است. یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه، «توسعه مکان‌محور» است؛ رویکردی که به جای نسخه‌ای کلیشه‌ای، بر شناخت دقیق ظرفیت‌ها و ویژگی‌های هر مکان متمرکز است.

مکان، مفاهیمتخت جغرافیایی نیست، بلکه تلفیقی از جغرافیا و تاریخ است؛ جغرافیا به معنای زمینه طبیعی و کالبدی، و تاریخ به معنای لایه‌ای از رویدادها و حافظه زیست‌ساکنان، مکان، وادج شای و هویتی خاص می‌باشد. نتیجه پیش از هرگونه مداخله، خواندن درک کشود. توسعه مکان‌محور یعنی توجه به همین الگوهای عمیق، تقویت بهمان‌شیت و اصلاح عناصر اجتماعی در زمینه فضای، در آن‌ها دیگر، با یکدیگر به‌توجه شهری» و به‌طورنستیم، بلکه به «زندگی شهری» مواجه هستیم؛ این‌ها رویدادها و دستمای به توسعه‌ای مطلوب، نیازمند خوانش دقیق زمینه، مشارکت شهروندان و به‌ویژر از نادیده‌نگاشتن تفاوت‌هاست. در همین راستا، مفهوم منظر شهری نیز اهمیت می‌یابد. منظر فقط یک تصویر فیزیکی نیست، بلکه تجربه زیسته ساکنان است که موجب ارتقای کیفیت زندگی آنان می‌شود.

شهرهای ما، از آن‌هم در لباسی نو‌پار رسانده است.

سکورو در ادامه گفت: اگر امید به آینده متفاوت داریم، باید این چرخه معیوب شکسته شود. توسعه واقعی بدون درک زمینه و مشارکت واقعی مردم، می‌دهند؛ ادراک، احساس و خاطراتی جمعی که هویت شهر را می‌سازد.

توسعه‌ای که هرگز اتفاق نیفتاد

در کنار این‌سب مفاهیم، حکمرانی‌های شهری نیز نقشی بنیادین دارد. وقتی تصمیم‌گیری‌های شهری بدون حضور و مشارکت مردم و دیگر ذینفعان انجام می‌شود، با وجود کاهش کارآمدی، سرمایه اجتماعی نیز تحلیل می‌رود. سیاست‌گذاری شهری مؤثر، نیازمند سازوکاری مشارکتی و شفاف با حضور بازنگران برشمار است. نمونه روشنی از پیامدهای سیاست‌گذاری متمرکز و غیرمشارکتی، در پروژه ساماندهی محله صیباغان مشاهده شد. محله‌ای با ۴۰۰ هکتار وسعت که از سوی میان‌مسکن برای ارتقای کیفیت محیط شهری انتخاب شد، اما با وجود اهدافی مانند توسعه زیرساخت‌ها و بهبود کالبدی، به دلیل ضعف هماهنگی در مشارکت اندک مردم و ابهام در وضعیت حقوقی زمین‌ها، با شکست مواجه شد. این تجربه تلخ، نشان داد که سیاست‌گذاری بدون درک مکان، بدون گفت‌وگو با مردم و بدون نگاه کلنگر، سراسرنامجی حق توقف، بی‌اعتمادی و گسست ندارد. پیش از هر زمان دیگر، نیاز به بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شهری احساس می‌شود؛ نوعی بازنگری که باید از فهم «مکان» آغازشود، به شنیدن صدای مردم ادامه یابد و با حکمرانی شفاف و عدالت‌محور به پایان برسد. کمب B و تجربه زیسته آن، نه صرفاً یک نمونه محلی، که نمادی از چالش‌های فراگیر این تجربه نیز است. چالش‌هایی که تنها با نگاه‌های عمیق، دقیق‌تر و مشارکتی می‌توان به آنها پاسخ داد.

توسعه شهری در ایران، سیاست‌گذاری‌های متمرکز و غیرمشارکتی، در پروژه ساماندهی محله صیباغان مشاهده شد. محله‌ای با ۴۰۰ هکتار وسعت که از سوی میان‌مسکن برای ارتقای کیفیت محیط شهری انتخاب شد، اما با وجود اهدافی مانند توسعه زیرساخت‌ها و بهبود کالبدی، به دلیل ضعف هماهنگی در مشارکت اندک مردم و ابهام در وضعیت حقوقی زمین‌ها، با شکست مواجه شد. این تجربه تلخ، نشان داد که سیاست‌گذاری بدون درک مکان، بدون گفت‌وگو با مردم و بدون نگاه کلنگر، سراسرنامجی حق توقف، بی‌اعتمادی و گسست ندارد. پیش از هر زمان دیگر، نیاز به بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شهری احساس می‌شود؛ نوعی بازنگری که باید از فهم «مکان» آغازشود، به شنیدن صدای مردم ادامه یابد و با حکمرانی شفاف و عدالت‌محور به پایان برسد. کمب B و تجربه زیسته آن، نه صرفاً یک نمونه محلی، که نمادی از چالش‌های فراگیر این تجربه نیز است. چالش‌هایی که تنها با نگاه‌های عمیق، دقیق‌تر و مشارکتی می‌توان به آنها پاسخ داد.

توسعه یا بازتولید بحران؟

لادرام سکورو، پژوهشگر دکتری معماری منظر دانشگاه تهران، با بین اینکه در دهه‌های اخیر، واژه «توسعه» به یکی از پرکاربردترین مفاهیم در سیاست‌گذاری شهری ارتقا تبدیل شده است، گفت: توسعه در ابتدا با معارهای مانند دیدش نابرابری، بهبود کیفیت زندگی و ارتقای زیرساخت‌ها همراه بود، اما به‌تدریج عمل به ابزاری برای تحکیم فقر و بازتولید ساختارهای نابرابر بدل شد. تجربه کمب B در بندر امام خمینی (ره) مصداقی روشن از این روند است. محله‌ای که روزگاری برای سکونت نیروی کار کلکل گرفته، اما امروز به گرگوهایی از بحران‌های کالبدی، اجتماعی و نهادی تبدیل شده است.

او با پاسخ به این پرسشی که چگونه توسعه‌ای که با نبود بهبود زندگی آغاز شد، اکنون به ابزاری برای حذف مردم از شهر و تعمیق حاشیه‌نشینی تبدیل شده است؟ گفت: دلیل این امر را نباید صرفاً در ضعف‌های اجرایی یا کمبود منابع جست، بلکه آنچه ما با آن مواجهیم، حاصل قاعده‌ای نهادینه‌شده در متن برنامه‌ریزی توسعه‌ای است. قاعده‌ای که در کنار بالا به پایین فقدان مشارکت و بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بنا شده است. در این منطق، مردم نه به‌عنوان سوزده‌های فعال، بلکه به صورت ازبده‌هایی منفعل در خدمت نظم به‌بودار دیده می‌شوند. مشارکت محلی‌ست است و «عدالت فضایی» صرفاً در قالب واژه‌های تزینتی در اسناد رسمی تکرار می‌شود.

او همچنین خاطرنشان کرد: تجربه چند رویکردی، ظهور سکونتگاه‌های است و ظرفیت‌ها و ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و معنایی برای ساکنان خود. این فقط حسی بی‌باقی و طردشدگی را بازتولید می‌کند. در تجربه توسعه‌های رویدادها و حافظه زیست‌ساکنان، مکان، وادج شای و هویتی خاص می‌باشد. نتیجه پیش از هرگونه مداخله، خواندن درک کشود. توسعه مکان‌محور یعنی توجه به همین الگوهای عمیق، تقویت بهمان‌شیت و اصلاح عناصر اجتماعی در زمینه فضای، در آن‌ها دیگر، با یکدیگر به‌توجه شهری» و به‌طورنستیم، بلکه به «زندگی شهری» مواجه هستیم؛ این‌ها رویدادها و دستمای به توسعه‌ای مطلوب، نیازمند خوانش دقیق زمینه، مشارکت شهروندان و به‌ویژر از نادیده‌نگاشتن تفاوت‌هاست. در همین راستا، مفهوم منظر شهری نیز اهمیت می‌یابد. منظر فقط یک تصویر فیزیکی نیست، بلکه تجربه زیسته ساکنان است که موجب ارتقای کیفیت زندگی آنان می‌شود.

شهرهای ما، از آن‌هم در لباسی نو‌پار رسانده است.

سکورو در ادامه گفت: اگر امید به آینده متفاوت داریم، باید این چرخه معیوب شکسته شود. توسعه واقعی بدون درک زمینه و مشارکت واقعی مردم،

صرفاً بازتولید فقر و آسیب در لباسی نو است. گذار از توسعه تک‌تک‌وراثت‌محور، فرمالیستی و اقتدارگرا، ضرورتی گریزناپذیر است. راه‌های برنامه‌ریزی شهری از اسارت فرم‌گرایی و اقتدارگرایی افراطی، مستلزم حرکت از به‌روشمحوری به فرایندمحوری، تقویت نهادهای محلی، بازتعریف جایگاه مردم، و بازگرداندن «حق

حیات فی با» به متن سیاست‌گذاری است. مشارکت واقعی، عدالت مکانی و کرامت انسانی، نه امتیازاتی سیاسی، بلکه پیش‌شرط‌هایی بنیادین برای صلح اجتماعی و پایداری شهری‌اند.

تجربه کمب B شداری است نه‌فقط درباره یک محله، بلکه درباره کل منطق توسعه در ایران. اکنون زمان آن فرارسیده که از «توسعه برای مردم» عبور کرده و به سوی «توسعه با مردم» گام برداریم.

توسعه شهری معاصر خوزستان: نامکان‌های برآمده از توسعه نابایدار

دکتر امین مقصودی، دیگر عضو تیم تحقیقاتی پژوهشکده نظر، در این زمینه به «شرق» می‌گوید: تا پیش از قرن بیستم میلادی، خوزستان از نظر شهرنشینی، یکی از مناطق کمتر برخوردار در مقایسه با دیگر نواحی کشور بود. درواقع در این خطه رزخیز، جمعیت جعی بیشتر به صورت زندگی عشایری و روستایی جریان داشت و به‌نام جست، بلکه آنچه ما با آن مواجهیم، حاصل قاعده‌ای نهادینه‌شده در متن برنامه‌ریزی توسعه‌ای است. قاعده‌ای که در کنار ایجاد زیرساخت‌های گسترده‌ای مانند راه‌های سراسری، احداث بندر و همچنین ساخت سدها و گسترش کشاورزی و صنعت از طریق شرکت‌های مختلف در مشارکت با دولت، در یک قرن گذشته، به صورت شهری معاصر سریع و متمرکز برای توسعه‌های آنها یا پشتوانه قدرت بالا و در گوی توسعه شهری نهادت در این شهر، بلکه در تمامی بخش‌های صنعتی خوزستان، برای ایجاد تعادل میان نیازهای معیشتی، رستنی و اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. این امر مستلزم همکاری برنامه‌ریزان، متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف است.

دکتر برجه‌هر صابونی، دانش‌آموخته معماری منظر نیز در گفت‌وگو با

«شرق» با اشاره به وضعیت محله صیباغان بندر امام خمینی (ره) می‌گوید: پروژه ساماندهی و توسعه محله صیباغان (کمب B) در بندر امام خمینی یکی از نمونه‌های بارز این الگوی توسعه ناکارآمد است. طرح ساماندهی این کمب پس از تسلیع شهرکرد، نخستین بار با هدف ساماندهی سکونتگاه‌های سرپند، این شهرها که در دهه‌های گذشته به دلیل رشد صنعتی و مهاجرت گسترده رونق یافته بودند، امروز با مشکلاتی مانند حاشیه‌نشینی فقر، فرسایش سرمایه اجتماعی، بی‌کاری، نابرابری، آلودگی صنعتی هوا و کمبود امکانات بهداشتی-درمانی و بحران آب شرب دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در نتیجه، این شهرها به «نامکان‌هایی تبدیل شده‌اند که زیست شهری در آنها با دناوری‌های فراوانی مواجه است. این وضعیت حتی به مهاجرت گسترده در این شهرها به دیگر مناطق کشور انجامیده است.



بررسی‌های انجام‌شده در سرپند، وجود مشکلات مختلف شهری چون آلودگی، فقدان زیرساخت‌های بهداشتی، پرآلودگی

نقطه شروع بحث درمورد ویژگی‌های مشخصه مشترک و مشکلات اصلی دو کمب این شهر در انفصال با سیستم صنعتی همجوار خود، با آن روبه‌رو است. شهر سرپند از مکان‌هایی است که دلیل شکل‌گیری آن وجود صنایع ملی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل بوده است. آنچه در این مکان قابل توجه است، روبه‌روشدن با این سؤال بود که آثار توسعه در مکان‌ها و زیرساخت‌های مختلف شهر سرپند چگونه است؟ آیا این دو پدیده در ارتباط با هم رشد یافته‌اند؟ بررسی‌های انجام‌شده در سرپند، وجود مشکلات مختلف شهری چون آلودگی، فقدان زیرساخت‌های مدرن، پرآلودگی فقر، آلودگی بیش از حد فضایی در بستر جغرافیایی، دسترسی مناطق سبزر فقر، مشکلات اقتصادی، آموزشی و بهداشت از هف قرار داده است.

در مقایسه امروز توسعه سرپند، از جانب مدیران شهری و ذینفعان و نفوذوان امر، به‌عنوان پاسخ‌خی به چالش‌های کثونی شهر، هیچ راه درست و مناسبی برای بهسازی آن و پاسخ به تبعات ناشی از توسعه‌های بالای در شهر وجود ندارد. در واقع رشد ساختوساز را رشد گلمرو جغرافیایی شهر، اقدامات مشترک‌گرفته منجر به جالش‌های متعددی درمورد سیستم برنامه‌ریزی شهری، مشارکت‌های اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و محفلت از محیط زیست و به صورت کلی افزایش چالش‌های زیست شهری شده است. توسعه ناکارآمد شهر به‌عنوان پاسخی به جالش‌های کثونی آن با مشکلات متعدد فضایی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، مدیریتی و... روبه‌رو است.

نهادهای مرتبط با مردم محلی، از چرخه تصمیم‌سازی حذف شدند. نهادهای دانشگاهی و مدنی نیز که می‌توانستند نقش تسهیلگر را ناظر اجتماعی و منتقد آن ایفا کنند، در حاشیه ماندند. در این میان ساکنان، ذینفعان محوری این توسعه قرار گرفت. اما، امروز، با وجود نقش کلیدی در اقتصاد منطقه، با جالش‌های عمیقی در ساختار شهری خود روبه‌روست. تحلیل تصمیم‌سازی فضایی این شهر نشان می‌دهد که بندر امام خمینی نه به عنوان یک «مکان»، بلکه به‌مثابه «مکانی» فاقد تعادل میان عناصر شهری ظهور یافته است. در بعد کالبدی، سلطه عملکردهای صنعتی و ترانزیتی مشهود است، حتی خوروموسی به روابط اجتماعی شکل گرفته بودند، جای خود را به واحدهای نامهارنگ، حذف‌قطعه‌های زیرساخت و تخریب‌های نامتجانسی‌های کالبدی-فضایی، زیرساخت‌ها و خدمات ناهم، محیط آلوده و فضاهای عمومی نیمه‌کاره و جدا افتاده از زندگی اجتماعی، مصداقی است که پروژه کمب B نهایتاً موفق به رفع آنها نشده، بلکه با نوعی تعبیر سازمان‌یافته زیست، موانع را برای توسعه‌های بعدی ایجاد کرد.

یک از الزامی از بازنگران و گروه‌های ذینفع در این طرح توسعه نشان می‌دهد که نهادهای دولتی لاداست و زیرمجموعه‌های آنها یا پشتوانه قدرت بالا و در واقع محلات این شهر نه فضاهای هویت‌ساز، بلکه صرفاً مجموعه‌های از پلاک‌های ساختمانی‌اند.

او در پایان گفت: بندر امام خمینی تجلی توسعه شهری معاصر خوزستان با رویکرد صرفاً اقتصادی است که در آن توسعه‌ای تحمیلی، صنعت‌محور و فاقد پایداری به چشم می‌خورد. این شهر در ساختار فضایی خود فاقد نظم اجتماعی و مکانی است که بتواند پیوندی همدار بین اجزایش ایجاد کند؛ بنابراین بازنگری در الگوی توسعه شهری نهادت در این شهر، بلکه در تمامی بخش‌های صنعتی خوزستان، برای ایجاد تعادل میان نیازهای معیشتی، رستنی و اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. این امر مستلزم همکاری برنامه‌ریزان، متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف است.

واژه‌توزیع یادآور می‌شود. اینکه توسعه نیازمند الگویی است که مشارکت واقعی، نهادسازی محلی، شفافیت تصمیم‌گیری و بازنگری مستمر را در دل خود داشته باشد. چرخه سیاست‌گذاری شهری باید به یک فرایند مشارکتی چندمرحله‌ای تبدیل شود، فرایندی که از شناخت مسئله تا تدوین اجراء، نظارت و بازخورد، همه بازنگران را به‌صورت حریز درگیر و معنایی خود را هدایت می‌کند و از تضامنی معادلات و شکلی در شهر وجود دارد. حاصل آن مواجهشدن با «شهرنامایی» به نام سرپند است که فاقد عناصر سازمانی مهم مردم مرکز توسعه‌های آلوده و تخریب‌های نامتجانس با ساختارهای شهری متصل است. این امر شهر را از «پدیده‌های سازمانی» به نهادی ساختاری در بستر جغرافیایی تقلیل داده است. از دیگر جنبش مهم این امر، عدم انسجام فضایی، پرآلودگی و کم‌کیفیت محلات و تضامین مختلف شهر در فقدان فعالیت و معنایی و کاهش خوانایی و ادراک مکانی از شهر است.

فروش مخلص، دکتری‌ای منظر شهری از فرانسه و دیگر عضو تیم تحقیقاتی پژوهشکده نظر، در پاسخ به این پرسش که در فرایند همجواری شهرها با صنایع

ملی، آیا توسعه متوازن و هم‌راز با نیازهای هر دو سیستم صورت می‌گیرد؟ گفت: شهرها، «پدیده‌ای سیستمی و چندوجهی» هستند که توسعه‌شان مشروط به توسعه توانمان لایه‌های معنادهند آن است. اما در شد صنایع، ما با ساختاری بخشی سلسله مراتبی روبه‌رو هستیم که فاکتورهای توسعه آن در چند فاکتور مشخص چون اقتصاد و ارتباطات در یک «نظام پله‌ای» تعریف می‌شود. در همجواری شهر و صنایع ملی، در کام نخست با تضاد از نین‌های توسعه در این دو فرایند روبه‌رو هستیم. واقعیت آن است که شهرها راه توسعه خود را دنبال می‌کنند و به‌طور جداگانه مشکلات مختلف را به‌عنوان اولویت تخصیص می‌دهند. این اولویت‌ها تانسیمی با اولویت‌های رشد صنعت ندارد. این نگاه مفاسی و بالا به پایین توسعه صنعتی به شهر، تداخل سیاست‌گذاری در سطوح مختلف راهبردی، برنامه‌ای، مدیریتی، تکنیکی و زیستی را به دنبال داشته و تبعات جبران‌ناپذیری را برای شهر میزان خود به وجود می‌آورد.

وی با اشاره به شهر سرپند، گفت: درموضوع سرپند و وضع موجود آن، نقطه شروع بحث درمورد ویژگی‌های مشخصه مشترک و مشکلات اصلی دو کمب این شهر در انفصال با سیستم صنعتی همجوار خود، با آن روبه‌رو است. شهر سرپند از مکان‌هایی است که دلیل شکل‌گیری آن وجود صنایع ملی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل بوده است. آنچه در این مکان قابل توجه است، روبه‌روشدن با این سؤال بود که آثار توسعه در مکان‌ها و زیرساخت‌های مختلف شهر سرپند چگونه است؟ آیا این دو پدیده در ارتباط با هم رشد یافته‌اند؟ بررسی‌های انجام‌شده در سرپند، وجود مشکلات مختلف شهری چون آلودگی، فقدان زیرساخت‌های مدرن، پرآلودگی فقر، آلودگی بیش از حد فضایی در بستر جغرافیایی، دسترسی مناطق سبزر فقر، مشکلات اقتصادی، آموزشی و بهداشت از هف قرار داده است.

در مقایسه امروز توسعه سرپند، از جانب مدیران شهری و ذینفعان و نفوذوان امر، به‌عنوان پاسخ‌خی به چالش‌های کثونی شهر، هیچ راه درست و مناسبی برای بهسازی آن و پاسخ به تبعات ناشی از توسعه‌های بالای در شهر وجود ندارد. در واقع رشد ساختوساز را رشد گلمرو جغرافیایی شهر، اقدامات مشترک‌گرفته منجر به جالش‌های متعددی درمورد سیستم برنامه‌ریزی شهری، مشارکت‌های اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و محفلت از محیط زیست و به صورت کلی افزایش چالش‌های زیست شهری شده است. توسعه ناکارآمد شهر به‌عنوان پاسخی به جالش‌های کثونی آن با مشکلات متعدد فضایی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، مدیریتی و... روبه‌رو است.

نهادهای مرتبط با مردم محلی، از چرخه تصمیم‌سازی حذف شدند. نهادهای دانشگاهی و مدنی نیز که می‌توانستند نقش تسهیلگر را ناظر اجتماعی و منتقد آن ایفا کنند، در حاشیه ماندند. در این میان ساکنان، ذینفعان محوری این توسعه قرار گرفت. اما، امروز، با وجود نقش کلیدی در اقتصاد منطقه، با جالش‌های عمیقی در ساختار شهری خود روبه‌روست. تحلیل تصمیم‌سازی فضایی این شهر نشان می‌دهد که بندر امام خمینی نه به عنوان یک «مکان»، بلکه به‌مثابه «مکانی» فاقد تعادل میان عناصر شهری ظهور یافته است. در بعد کالبدی، سلطه عملکردهای صنعتی و ترانزیتی مشهود است، حتی خوروموسی به روابط اجتماعی شکل گرفته بودند، جای خود را به واحدهای نامهارنگ، حذف‌قطعه‌های زیرساخت و تخریب‌های نامتجانسی‌های کالبدی-فضایی، زیرساخت‌ها و خدمات ناهم، محیط آلوده و فضاهای عمومی نیمه‌کاره و جدا افتاده از زندگی اجتماعی، مصداقی است که پروژه کمب B نهایتاً موفق به رفع آنها نشده، بلکه با نوعی تعبیر سازمان‌یافته زیست، موانع را برای توسعه‌های بعدی ایجاد کرد.

یک از الزامی از بازنگران و گروه‌های ذینفع در این طرح توسعه نشان می‌دهد که نهادهای دولتی لاداست و زیرمجموعه‌های آنها یا پشتوانه قدرت بالا و در واقع محلات این شهر نه فضاهای هویت‌ساز، بلکه صرفاً مجموعه‌های از پلاک‌های ساختمانی‌اند.

او در پایان گفت: بندر امام خمینی تجلی توسعه شهری معاصر خوزستان با رویکرد صرفاً اقتصادی است که در آن توسعه‌ای تحمیلی، صنعت‌محور و فاقد پایداری به چشم می‌خورد. این شهر در ساختار فضایی خود فاقد نظم اجتماعی و مکانی است که بتواند پیوندی همدار بین اجزایش ایجاد کند؛ بنابراین بازنگری در الگوی توسعه شهری نهادت در این شهر، بلکه در تمامی بخش‌های صنعتی خوزستان، برای ایجاد تعادل میان نیازهای معیشتی، رستنی و اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. این امر مستلزم همکاری برنامه‌ریزان، متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف است.

واژه‌توزیع یادآور می‌شود. اینکه توسعه نیازمند الگویی است که مشارکت واقعی، نهادسازی محلی، شفافیت تصمیم‌گیری و بازنگری مستمر را در دل خود داشته باشد. چرخه سیاست‌گذاری شهری باید به یک فرایند مشارکتی چندمرحله‌ای تبدیل شود، فرایندی که از شناخت مسئله تا تدوین اجراء، نظارت و بازخورد، همه بازنگران را به‌صورت حریز درگیر و معنایی خود را هدایت می‌کند و از تضامنی معادلات و شکلی در شهر وجود دارد. حاصل آن مواجهشدن با «شهرنامایی» به نام سرپند است که فاقد عناصر سازمانی مهم مردم مرکز توسعه‌های آلوده و تخریب‌های نامتجانس با ساختارهای شهری متصل است. این امر شهر را از «پدیده‌های سازمانی» به نهادی ساختاری در بستر جغرافیایی تقلیل داده است. از دیگر جنبش مهم این امر، عدم انسجام فضایی، پرآلودگی و کم‌کیفیت محلات و تضامین مختلف شهر در فقدان فعالیت و معنایی و کاهش خوانایی و ادراک مکانی از شهر است.

فروش مخلص، دکتری‌ای منظر شهری از فرانسه و دیگر عضو تیم تحقیقاتی پژوهشکده نظر، در پاسخ به این پرسش که در فرایند همجواری شهرها با صنایع

ملی، آیا توسعه متوازن و هم‌راز با نیازهای هر دو سیستم صورت می‌گیرد؟ گفت: شهرها، «پدیده‌ای سیستمی و چندوجهی» هستند که توسعه‌شان مشروط به توسعه توانمان لایه‌های معنادهند آن است. اما در شد صنایع، ما با ساختاری بخشی سلسله مراتبی روبه‌رو هستیم که فاکتورهای توسعه آن در چند فاکتور مشخص چون اقتصاد و ارتباطات در یک «نظام پله‌ای» تعریف می‌شود. در همجواری شهر و صنایع ملی، در کام نخست با تضاد از نین‌های توسعه در این دو فرایند روبه‌رو هستیم. واقعیت آن است که شهرها راه توسعه خود را دنبال می‌کنند و به‌طور جداگانه مشکلات مختلف را به‌عنوان اولویت تخصیص می‌دهند. این اولویت‌ها تانسیمی با اولویت‌های رشد صنعت ندارد. این نگاه مفاسی و بالا به پایین توسعه صنعتی به شهر، تداخل سیاست‌گذاری در سطوح مختلف راهبردی، برنامه‌ای، مدیریتی، تکنیکی و زیستی را به دنبال داشته و تبعات جبران‌ناپذیری را برای شهر میزان خود به وجود می‌آورد.

وی با اشاره به شهر سرپند، گفت: درموضوع سرپند و وضع موجود آن، نقطه شروع بحث درمورد ویژگی‌های مشخصه مشترک و مشکلات اصلی دو کمب این شهر در انفصال با سیستم صنعتی همجوار خود، با آن روبه‌رو است. شهر سرپند از مکان‌هایی است که دلیل شکل‌گیری آن وجود صنایع ملی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل بوده است. آنچه در این مکان قابل توجه است، روبه‌روشدن با این سؤال بود که آثار توسعه در مکان‌ها و زیرساخت‌های مختلف شهر سرپند چگونه است؟ آیا این دو پدیده در ارتباط با هم رشد یافته‌اند؟ بررسی‌های انجام‌شده در سرپند، وجود مشکلات مختلف شهری چون آلودگی، فقدان زیرساخت‌های مدرن، پرآلودگی فقر، آلودگی بیش از حد فضایی در بستر جغرافیایی، دسترسی مناطق سبزر فقر، مشکلات اقتصادی، آموزشی و بهداشت از هف قرار داده است.

در مقایسه امروز توسعه سرپند، از جانب مدیران شهری و ذینفعان و نفوذوان امر، به‌عنوان پاسخ‌خی به چالش‌های کثونی شهر، هیچ راه درست و مناسبی برای بهسازی آن و پاسخ به تبعات ناشی از توسعه‌های بالای در شهر وجود ندارد. در واقع رشد ساختوساز را رشد گلمرو جغرافیایی شهر، اقدامات مشترک‌گرفته منجر به جالش‌های متعددی درمورد سیستم برنامه‌ریزی شهری، مشارکت‌های اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و محفلت از محیط زیست و به صورت کلی افزایش چالش‌های زیست شهری شده است. توسعه ناکارآمد شهر به‌عنوان پاسخی به جالش‌های کثونی آن با مشکلات متعدد فضایی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، مدیریتی و... روبه‌رو است.

نهادهای مرتبط با مردم محلی، از چرخه تصمیم‌سازی حذف شدند. نهادهای دانشگاهی و مدنی نیز که می‌توانستند نقش تسهیلگر را ناظر اجتماعی و منتقد آن ایفا کنند، در حاشیه ماندند. در این میان ساکنان، ذینفعان محوری این توسعه قرار گرفت. اما، امروز، با وجود نقش کلیدی در اقتصاد منطقه، با جالش‌های عمیقی در ساختار شهری خود روبه‌روست. تحلیل تصمیم‌سازی فضایی این شهر نشان می‌دهد که بندر امام خمینی نه به عنوان یک «مکان»، بلکه به‌مثابه «مکانی» فاقد تعادل میان عناصر شهری ظهور یافته است. در بعد کالبدی، سلطه عملکردهای صنعتی و ترانزیتی مشهود است، حتی خوروموسی به روابط اجتماعی شکل گرفته بودند، جای خود را به واحدهای نامهارنگ، حذف‌قطعه‌های زیرساخت و تخریب‌های نامتجانسی‌های کالبدی-فضایی، زیرساخت‌ها و خدمات ناهم، محیط آلوده و فضاهای عمومی نیمه‌کاره و جدا افتاده از زندگی اجتماعی، مصداقی است که پروژه کمب B نهایتاً موفق به رفع آنها نشده، بلکه با نوعی تعبیر سازمان‌یافته زیست، موانع را برای توسعه‌های بعدی ایجاد کرد.

یک از الزامی از بازنگران و گروه‌های ذینفع در این طرح توسعه نشان می‌دهد که نهادهای دولتی لاداست و زیرمجموعه‌های آنها یا پشتوانه قدرت بالا و در واقع محلات این شهر نه فضاهای هویت‌ساز، بلکه صرفاً مجموعه‌های از پلاک‌های ساختمانی‌اند.

او در پایان گفت: بندر امام خمینی تجلی توسعه شهری معاصر خوزستان با رویکرد صرفاً اقتصادی است که در آن توسعه‌ای تحمیلی، صنعت‌محور و فاقد پایداری به چشم می‌خورد. این شهر در ساختار فضایی خود فا